

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده الهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته الهیات، گرایش ادیان و عرفان

عنوان

بررسی تحلیلی فوائد و کارکردهای دین از منظر روانشناسان دین

استاد راهنما

دکتر حجت الله جوانی

استاد مشاور

دکتر بهزاد سالکی

دانشجو

بی بی معصومه باغی باغنو

اسفند ۱۳۹۰

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به
دانشگاه الزهرا(س) است.

قدردانی و تشکر

سپاس آن نگارنده غیب را که بدین بنده کمترین توفیق به پایان رساندن این رساله را عنایت کرد.

از استاد بزرگوار و ارجمندم آقای دکتر جوانی به پاس تمام راهنمایی‌ها و پیگیری مستمرشان در به انجام رساندن این رساله و همچنین آقای دکتر سالکی برای تمام دقت نظر و دلگرمی هایشان کمال تشکر و سپاس را دارم. همچنین بر خود لازم می‌دانم که از محبت‌های بی‌دریغ و خالصانه خانم دکتر شنکایی قدردانی کنم که همواره راهنمای زندگی من بوده و هستند.

بر عهده من نیست که در مسابقه برنده شوم

اما بر من است که راست و درست باشم

بر عهده من نیست که حتماً در کار خود موفق شوم

اما بر عهده من است که به آنچه از نور الهی در دست دارم وفادار مانم.

بر من است که در کنار همه راستان و صدیقان باشم

و یار آن باشم که حق با اوست

و از او جدا شوم هنگامی که به خطا می‌رود.

آبراهام لینکلن، ترجمه حسین الهی قمش‌های

چکیده

امروزه دین پژوهی رشته‌ای نوین به شمار می‌رود که در بین شاخه‌های آن، روانشناسی دین مورد توجه بسیاری از متفکران حوزه دین و روانشناسی قرار گرفته‌است. مسئله کارکردهای دین و آثار ایمان نیز در دو سده اخیر از مباحث جدید حوزه دین پژوهی است، چنانچه جامعه‌شناسان و روانشناسان به این مسئله پرداخته و درباره آن دیدگاه‌های مختلفی ارائه داده‌اند و از آثار مثبت و سازنده آن سخن گفته‌اند. روانشناسان دین از جمله زیگموند فروید، کارل گوستاو یونگ و اریک فروم با رویکردی روانشناختی و با توجه به جنبه‌های روانی و عاطفی انسان به بررسی کارکردهای دین پرداخته‌اند. هر یک از آنان با توجه به مبانی نظری خود فوائد و کارکردهایی را برای دین ذکر می‌کنند. که از آن جمله می‌توان به تسکین رنج‌های زندگی، وحدت شخصیت، حفظ تعادل روانی و احساس اطمینان و آرامش اشاره کرد. در این میان فروید دین را پندار می‌داند و برای آن کارکرد منفی نیز قائل است اما یونگ و فروم از تأثیر و نقش مثبت دین به شدت دفاع می‌کنند.

کلید واژه: کارکرد، دین، روانشناسی دین، فروید، یونگ، فروم

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات ۱

- ۱-۱- مقدمه ۲
- ۲-۱- تبیین موضوع پژوهش و ضرورت انجام آن ۳
- ۳-۱- پرسشهای پژوهش ۴
- ۴-۱- فرضیات پژوهش ۴
- ۵-۱- پیشینه پژوهش ۵
- ۶-۱- کارکردهای دین ۶
- ۷-۱- دین پژوهی و شاخه‌های آن ۷
- ۱-۷-۱- روانشناسی دین ۸
- ۳-۷-۱- تاریخچه روانشناسی دین ۱۰
- ۱-۳-۷-۱- دو جریان اصلی ۱۰
- ۲-۳-۷-۱- سنت انگلیسی - آمریکایی ۱۱
- ۳-۳-۷-۱- سنت آلمانی ۱۲
- ۴-۳-۷-۱- سنت فرانسوی ۱۲

فصل دوم: زیگموند فروید ۱۴

- ۱-۲- زندگینامه زیگموند فروید ۱۵
- ۲-۲- تاریخچه روانکاوی ۱۸
- ۳-۲- مبانی روانکاوی ۲۲
- ۱-۳-۲- ساختار دستگاه روان ۲۲
- ۲-۳-۲- تحلیل روانی فروید ۲۵
- ۳-۳-۲- غرایز ۲۶
- ۱-۳-۳-۲- غریزه زندگی (اروس) ۲۷
- ۲-۳-۳-۲- غریزه مرگ (تاناتوس) ۲۷

- ۲۸.....۴-۳-۲- مکانیزم های دفاعی.....
- ۲۸.....۱-۴-۳-۲- تصعید (والایش).....
- ۲۹.....۲-۴-۳-۲- فرافکنی.....
- ۲۹.....۵-۳-۲- عقده‌های روانی.....
- ۳۰.....۱-۵-۳-۲- منشأ پیدایش عقده.....
- ۳۱.....۲-۵-۳-۲- اقسام عقده.....
- ۳۳.....۶-۳-۲- گزارشی از آثار فروید در باب دین.....
- ۳۴.....۷-۳-۲- فروید، یهودی بی خدا.....
- ۳۵.....۸-۳-۲- دین از نظر فروید.....
- ۳۶.....۹-۳-۲- نظریه های فروید در باب منشأ و خاستگاه دین.....
- ۳۷.....۱-۹-۳-۲- ترس.....
- ۳۹.....۲-۹-۳-۲- آشتی دادن انسان با تمدن.....
- ۴۰.....۳-۹-۳-۲- توتمیسم.....
- ۴۲.....۱۰-۳-۲- فوائد و کارکردهای دین.....
- ۴۳.....۱-۱۰-۳-۲- کارکرد منفی دین.....
- ۴۵.....۲-۱۰-۳-۲- کارکردهای مثبت دین.....
- ۴۹.....۱۱-۳-۲- تحلیل و بررسی.....
- ۵۰.....۱۲-۳-۲- نقد دیدگاه‌های فروید در باب دین.....
- ۵۵..... فصل سوم: کارل گوستاو یونگ.....**
- ۵۶.....۱-۳- زندگینامه کارل گوستاو یونگ.....
- ۵۹.....۲-۳- مکتب روانشناسی تحلیلی یونگ.....
- ۶۱.....۳-۳- اندیشه‌ها و نظریات اصلی یونگ.....
- ۶۱.....۱-۳-۳- ساختار روان آدمی.....
- ۶۱.....۱-۱-۳-۳- خودآگاه.....
- ۶۲.....۲-۱-۳-۳- ناخودآگاه.....
- ۶۲.....۱-۲-۱-۳-۳- ناخودآگاه شخصی.....

۶۲۳-۳-۱-۲-۲- ناخودآگاه جمعی
۶۳۳-۳-۱-۲-۲-۱- کهن الگوها
۷۱۳-۳-۲- آثار یونگ در باب دین
۷۲۳-۳-۳- تعریف دین از دیدگاه یونگ
۷۴۳-۳-۴- تجربه دینی
۷۵۳-۳-۵- نظریه یونگ در باب خاستگاه دین
۷۶۳-۳-۶- کارکردهای دین از دیدگاه یونگ
۸۰۳-۳-۷- تحلیل و بررسی
۸۱۳-۳-۸- نقد دیدگاه‌های یونگ در باب دین
۸۵ فصل چهارم: اریک فروم
۸۶۴-۱- زندگینامه اریک فروم
۹۱۴-۲- تعریف دین از دیدگاه اریک فروم
۹۲۴-۲-۱- ادیان اقتدارگرایانه
۹۳۴-۲-۲- ادیان انسان‌گرایانه
۹۴۴-۲-۳- پیامدهای ادیان اقتدارگرایانه
۹۶۴-۳- ایمان به مثابه داشتن یا بودن
۹۷۴-۴- خاستگاه دین از دیدگاه فروم
۹۸۴-۵- آیا روانکاوی تهدیدی برای دین به شمار می‌رود؟
۱۰۰۴-۶- کارکردهای دین از دیدگاه فروم
۱۰۱۴-۶-۱- کارکرد اجتماعی دین
۱۰۲۴-۶-۲- کارکرد روانی دین
۱۰۵۴-۷- تحلیل و بررسی
۱۰۶۴-۸- نقد دیدگاه‌های فروم در باب دین
۱۰۸ نتیجه‌گیری
۱۱۰ منابع و مآخذ

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

دین یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بررسی در بین دانشمندان بوده‌است. دین در همه ادوار بر تمام نهادهای اجتماعی و فرهنگهای بشری آثار مثبت و سازنده‌ای داشته و تأثیر عمیقی بر افراد، گروه‌ها، تفکر و رفتار انسانها نهاده و الهام‌بخش ارزشمندترین اعمال ایثارگرانه و بشردوستانه بوده‌است. دین همچنین موجب پیدایش بزرگترین معماری‌های جهان، تعدادی از بهترین موسیقی‌ها، نقاشی‌ها و مجسمه‌سازی‌ها و مشوق انسانها در بسط نظام‌های اخلاقی و مباحث فلسفی مانند هویت خویشتن، مفهوم و غایت زندگی و نیز تعمق درباره سرنوشت انسان پس از مرگ بوده‌است. دین همچنین برای میلیون‌ها نفر منشأ آرامش روحی و روانی و هدفمندی در زندگی بوده‌است. (فونتانا، ص ۱۹)

اما دین در پاره‌ای ادوار و تمدن‌ها کارکرد منفی نیز داشته‌است؛ زیرا در برخی دوره‌های مختلف تاریخی چون عاملی فوق‌العاده محافظه‌کار و سرکوبگر، بر سر راه پیشرفت علم و آزادی اندیشه و بیان قرار داشته که به اختلافات فرهنگی و اجتماعی انجامیده و بهانه‌ای برای بیشتر جنگ‌های وحشیانه تاریخی بوده‌است. دین یا کسانی به نام دین، بذر افراطی‌گری‌هایی نظیر تفتیش عقاید را کاشته‌اند که به شکنجه و اعدام هزاران نفر، سرکوب بی‌رحمانه همه نظام‌های

اعتقادی منجر شده است. در سطح فردی، دین باعث مشقت و زیان روحی و منشأ احساس مجرم بودن، ترس و نگرانی غیر ضروری بوده است. (همان، ص ۲۰)

دانش روانشناسی و روانکاوی رابطه‌ی مستقیمی با دین دارد. به همین سبب بنیان‌گذاران این دانش و ادامه‌دهندگان آن همواره به بررسی مسئله‌ی دین و تأثیر آن در روان انسان پرداخته‌اند. دو تن از بنیان‌گذاران اولیه‌ی این رشته، زیگموند فروید و کارل گوستاو یونگ تحقیقات گسترده‌ای در حوزه‌ی دین دارند و دو مکتب فکری متفاوت در روانکاوی و دین‌شناسی به وجود آورده‌اند. و در حوزه‌ی از روانشناسی که به نام روانشناسی دین نامیده شده است، خواص ایمان به خدا و اثر آن در روان انسان را مورد بررسی قرار می‌دهند.

۲-۱- تبیین موضوع پژوهش و ضرورت انجام آن

دین از حقایقی است که همواره در زندگی انسان حضور جدی داشته است. انسانها برای پاسخ به نیازهای بشری خود انتظاراتی از دین دارند. انتظار از دین به این معناست که دین برای چه آمده است؟ چه خدمات فردی و اجتماعی داشته است؟ و چه تأثیری بر زندگی انسانها داشته و خواهد داشت؟

مسئله‌ی کارکردهای دین که به عنوان روشی برای پاسخ‌گویی به مسئله‌ی انتظار بشر از دین به کار می‌رود، یکی از مسائل و مباحث جدید حوزه دین پژوهی است که در قلمرو جامعه‌شناسی دین قرار دارد.

به لحاظ روانشناختی، دین کارکردهای فراوانی برای انسان دارد. در میان علوم جدید هیچ یک به اندازه روانشناسی، اهمیت و آثار مثبت دین و تدین را برای حیات بشر بیان نکرده است. باید توجه داشت برخی از رشته‌های علوم انسانی مثل روانشناسی دین، بحث صدق و کذب ادیان را وانهاده و رویکردی کارکردگرایانه در پیش گرفتند. در این میان برخی کارکرد منفی برای آن قائلند و برخی دیگر کارکردهای جاودانی و جانشین ناپذیر را معرفی می‌نمایند و برخی نیز ضمن تقدیر از خدمات گذشته دین، عمر آن را پایان یافته می‌دانند. یکی از مباحث مهم روانشناسی دین بیان آثار، خدمات و کارکردهای دین در زندگی فردی و اجتماعی است.

آراء فروید، یونگ و فروم در این پژوهش مدنظر بوده است و این نکته نیز شایسته بیان است که از میان روانشناسان بنامی که در این عرصه صاحب نظر بوده‌اند معمولاً فروید را مخالف دین و یونگ را موافق دین قلمداد کرده‌اند و فروم نیز به عنوان شخص نوفرویدی در بیشتر آثار خود

به آرای این دو (فروید و یونگ) پرداخته‌است. هر چند خود در این زمینه صاحب نظر است و مواضع خاص خود را دارد. به هر تقدیر علت انتخاب این سه روانشناس همین امر بوده که از جنبه‌های مختلف دیدگاه‌های موافق و مخالف مطرح شود.

این پژوهش در پی بررسی و تبیین دیدگاه‌ها و نظرات بعضی از روانشناسان بزرگ است که در حوزه مطالعات دینی دارای نظرات خاصی هستند.

مهمترین مسأله و موضوع پژوهش حاضر تبیین فواید و کارکردهای دین از منظر روانشناسی دین با رجوع به آراء روانشناسانی نظیر فروید، یونگ و فروم است.

بدیهی است که به دلیل تفاوت مبانی و پیش فرض‌ها، هر یک از متفکران مذکور دارای دیدگاه‌های خاصی در خصوص فواید و کارکردهای دین از منظر روحی و روانی هستند که رساله پیشنهادی حاضر عهده‌دار تبیین و بررسی این تفاوت‌ها و شباهت‌ها خواهد بود.

۳-۱- پرسشهای پژوهش (پرسشهای فرعی)

پژوهش حاضر در بررسی دیدگاه‌های سه روانشناس یاد شده، درصدد یافتن پاسخهایی برای سؤالات ذیل است:

۱- دیدگاه زیگموند فروید در باب فواید و کارکردهای دین چیست؟

۲- فواید و کارکردهای دین از نظر کارل گوستاو یونگ چیست؟

۳- دیدگاه اریک فروم در باب فواید و کارکردهای دین چیست؟

۴-۱- فرضیات پژوهش

۱- فروید، دین را از نظر منشأ مجموعه‌ای از باورهای وهمی و پنداری می‌داند. ولی به

لحاظ کارکرد، وی به کارکردهای مثبت و فواید دین اعتراف می‌کند و آن را مبنای

نظم زندگی اجتماعی و تحمل دشواری‌ها، رنج‌ها، محرومیت‌ها و نادادگری‌های این

جهان پرآشوب می‌خواند.

۲- برخلاف فروید، از دیدگاه یونگ دین پدیده‌ای شفافبخش است، یونگ تنها به کارکرد

روان‌شناختی دین - اعم از فردی و جمعی آن - نظر دارد.

۳- فروم با نگرش کارکردگرایانه، گستره‌ی دین را در امیدبخشی، معناداری زندگی و مانند آن خلاصه می‌کند.

فروم معتقد است با ایمان زیستن به معنی ثمربخش زندگی کردن است. به نظر او ایمان دین مدار، سازنده است.

۱-۵- پیشینه پژوهش

یکی از بهترین کتاب‌هایی که در زبان انگلیسی در باب روانشناسی دین نوشته شده و به فارسی نیز ترجمه شده است کتاب "روانشناسی دین" دیوید ام. وولف است. کتاب انواع تجربه دینی ویلیام جیمز نیز یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در این زمینه است.

از میان رساله‌هایی که در باب روانشناسی دین تألیف شده‌اند تنها می‌توان به رساله "خاستگاه دین از منظر روانشناسان (فروید، یونگ، فروم) و مقایسه آن با تئوری فطرت" اثر محبوبه اورعی قدیری اشاره کرد. این رساله عمدتاً به تحلیل منشأ و مبدأ دین از نظر روانشناسان مذکور پرداخته است. رساله "بررسی و نقد روانشناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز" اثر مسعود آذربایجانی نیز به بررسی دیدگاه ویلیام جیمز اختصاص یافته است.

قابل ذکر است که در این خصوص مقالات متعددی نیز به چاپ رسیده است که از میان مهم‌ترین آنها می‌توان به "دین از منظر روانشناسی و مقایسه آن با رویکرد اسلامی" از رحیم نارویی نصرتی و "درآمدی بر دین‌شناسی یونگ" از دکتر احد فرامرز قراملکی اشاره کرد.

پژوهش حاضر مشتمل بر یک مقدمه و چهار فصل و یک نتیجه‌گیری است. فصل نخست مشتمل بر کلیات بحث رساله است. در فصل دوم پس از بیان تاریخچه مختصر روانکاوی و زندگینامه فروید، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نظریات او که برای فهم و وارد شدن به بحث اصلی ضروری است، ارائه می‌گردد. و در پایان به بحث دین و کارکردهای دین خواهیم پرداخت.

در فصل سوم نیز به نظریات و عقاید یونگ در باب فوائد و کارکردهای دین پرداخته می‌شود. برای این منظور ابتدا نگاهی اجمالی به زندگینامه، مقدمات روانشناسی تحلیلی یونگ و بیان نظریات وی در باب دین خواهیم داشت.

در فصل چهارم نیز به همان ترتیب فصول پیشین به نظریات سومین روانشناس دین یعنی اریک فروم در باب دین و کارکردهای دین پرداخته می‌شود.

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مرتبط با رشته الهیات، روانشناسی و همچنین کلیه نهادها و مؤسساتی که در زمینه‌ی دین فعالیت دارند، امکان بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش حاضر را دارند.

۱-۶- کارکردهای دین

عنوان «کارکردهای دین» صبغه‌ای جامعه‌شناسانه دارد. منظور جامعه‌شناسان از مفهوم کارکرد^۱ در اصطلاح کارکردگرایی^۲ اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارد. اما هنگامی که اصطلاح «کارکرد» در جامعه‌شناسی به دین نسبت داده می‌شود، مقصود معنای عام آن است که شامل خدمات، غایات و اغراض، آثار و تبعات پنهان و آشکار، مقصود و غیرمقصود دین به جامعه می‌شود که قوام، بقا و تعادل آن را در پی دارد. (اسکیدمور، ص ۱۴۲) اما در این پژوهش، مقصود از کارکردهای دین، مطلق خدمات و آثار دین از دیدگاه روانشناسان دین است.

دین کارکردهای فراوانی دارد که می‌توان آنها را به دو قسم کلی کارکردهای این‌جهانی (دنیوی) و فرا این‌جهانی (اخروی) تقسیم کرد. کارکردهای این‌جهانی در حوزه‌های روانشناختی، معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی قابل بررسی است. در اینجا به کارکردهای روانشناختی دین پرداخته می‌شود و این کارکردها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد که عبارتند از: کارکردهای فردی و کارکردهای اجتماعی.

با این توصیف در هر فصلی به تبیین کارکردهای دین در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی از منظری روانشناختی پرداخته می‌شود. اما باید این نکته را متذکر شد که کارکردهای ذکر شده بنا بر سیر تاریخی از نظر هر روانشناس بیان شده‌است و لزوماً با کارکردهایی که دین برای جامعه حاضر می‌طلبد شاید همخوانی نداشته باشد.

^۱. ترجمه واژه Function

^۲. Functionalism

۱-۷- دین پژوهی و شاخه‌های آن

دین پژوهی، بنا بر تعریف لفظی، مجموعه‌ای از مطالعات و تحقیقاتی است که درباره دین انجام می‌پذیرد. مطالعات ناظر به ادیان و تعالیم و آموزه‌های دینی و تحقیق درباره رفتارها، مناسک و پدیدارهای دینی را به طور کلی، دین پژوهی می‌نامند. (فرامرزی قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۴۹)

دین پژوهی شامل دو دسته عمده از مطالعات دینی است: دسته‌ای از معارف دینی که دارای هویت واسطه‌ای‌اند و از دین سخن می‌گویند، و دسته دیگری از پژوهش‌های دینی که فاقد هویت واسطه‌ای می‌باشند و درباره دین بحث می‌کنند.

کلام، فقه، اخلاق، روانشناسی دین، جامعه‌شناسی دین، فلسفه دین و تاریخ ادیان از شاخه‌های عمده دین پژوهی محسوب می‌شوند. سه دانش کلام، فقه و اخلاق در مطالعات سنتی مربوط به دین (اسلام)، سابقه‌ای بسیار طولانی دارند و چهار گستره فلسفه دین، روانشناسی دین، جامعه‌شناسی دین و تاریخ ادیان، حاصل مدرنیسم‌اند که صورت مدون آنها پس از نیمه دوم قرن نوزدهم شکل یافته‌است. (همان، ص ۵۰)

۱-۷-۱- روانشناسی دین

چرا برخی از افراد عمیقاً دیندارند درحالیکه برخی دیگر هیچگاه به دین توجهی نمی‌کنند؟ چرا برخی مسلمان، زرتشتی، بودایی هستند و برخی دیگر یهودی، مسیحی و...؟ ایمان دینی چگونه ظاهر می‌شود و به چه ترتیبی در طول زندگی تحوّل پیدا می‌کند؟ چرا برخی دینداران تجربه‌های دینی عمیقی دارند، درحالیکه برخی دیگر از این تجارب بی‌بهره‌اند؟ چرا دینداری گروهی به سلامت هیجانی و رفتاری می‌انجامد و دینداری گروهی دیگر به اختلالات متعدّد روانشناختی؟ و...

سؤالات یاد شده نمونه‌ای از مسائلی هستند که در گستره روانشناسی دین مورد توجه قرار می‌گیرند. این گستره از قدمتی یک قرن و پر از فراز و نشیب برخوردار است. تا به امروز تعاریف متعدّدی از روانشناسی دین ارائه شده است. سیر تنوع این تعاریف را می‌توان در تمایز روی آورده‌های محققین در روانشناسی دین و همچنین صعوبت ارائه تعریفی جامع از دین دانست

که بصورت جهانی مورد پذیرش قرار گیرد. تعدد تعاریف روانشناسی دین نشانگر تنوع نظام‌های روانشناختی دین و گوناگونی روی‌آوردها در این گستره است. (قربانی، ص ۲۳)

پالوتزیان در تعریف روانشناسی دین می‌گوید: روانشناسی دین، گستره‌ای است که به مطالعه باورها و اعمال دینی از دیدگاهی روانشناختی می‌پردازد. در اینجا هدف، درک فرایندهای روانشناختی است که رفتارها و تجارب دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این گستره ما می‌کوشیم تا تأثیرات چندگانه محیطی، شخصی و اجتماعی که رفتار و تجربه دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند مدنظر قرار دهیم و به ترسیم دیدگاه‌ها و پژوهشهایی بپردازیم که امکان آشکارسازی فرایندهای روانشناختی میانجی در دینداری را فراهم می‌کنند. (paloutzian, p 28-29)

روانشناسی دین آن‌گونه که امروزه یافت می‌شود، موجودیتش را به همزمانی پیدایش رشته ادیان تطبیقی در قرن نوزدهم اروپا با پیدایش دو رشته‌ی دیگر که در آغاز با دین بی‌ارتباط بود، مدیون است. این دو رشته عبارتند از: روان‌شناسی اعماق^۱ که در حوزه‌ی علوم پزشکی به عنوان نخستین جست‌وجوی منظم نظریه‌ای در زمینه‌ی ضمیر ناخودآگاه، برای درمان بیماری‌های روانی پدیدار شد؛ و دیگری فیزیولوژی روانشناختی که از فیزیولوژی به عنوان کوششی برای جانسین سازی دستگاه و تکیه‌گاه فلسفی مربوط به نظریه‌ی ادراک، با سنجش و آزمایش‌گری عینی، انشعاب یافت. علی‌رغم دانش وسیعی که در آثار نخستین پیشتازان روانشناسی دین مشهود بود، این دو رشته طیف رهیافت‌های امروزی در زمینه‌ی روانشناسی دین را تشکیل می‌دهد. (Heisig, v 12 , p 57-7-58)

دیوید وولف در تعریف روانشناسی دین به سه رویکرد عمده اشاره می‌کند:

۱- رویکرد عینی: این رویکرد انسان را از منظر بیرون نگاه می‌کند. بر مبنای مفهوم‌سازیهای رویکرد عینی، تجربه شخصی از آنجایی که پدیده‌ای درونی است که امکان بررسی تجربی آن وجود ندارد، در پژوهش‌های علمی نیز جایی ندارد. بنابراین، این رویکرد دین را به عنوان یک رفتار مشاهده پذیر و یا پدیده‌ای حاصل از فرایندهای زیست‌شناختی در نظر می‌گیرد و همچون علوم زیست‌شناختی و فیزیکی با هدف تبیین، پیش‌بینی و کنترل رفتار وارد این گستره

^۱ . Depth psychology

می‌شود. رویکرد عینی‌نگر و آن گروه از محققین که تنها بر انجام آزمایشهای حقیقی تکیه می‌کنند، نماینده این مفهوم‌سازی در روانشناسی دین هستند.

۲- رویکرد روانشناسی ژرفا: این نوع روانشناسی بر فرآیندهای پویشی و غیرعقلانی که در تجربه و رفتار آدمی از جمله دینداری نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند تأکید می‌ورزد. فروید و یونگ نمایندگان چنین رویکردی در روانشناسی دین هستند.

۳- رویکرد انسان‌گرایانه: پیشگامان این رویکرد معتقدند که روانشناسی و علوم انسانی باید روشهایی متمایز از علوم زیستی را اتخاذ کنند، و توانمندی‌ها و نکات مثبت شخصیت انسان نیز در کنار آسیب‌شناسی روانی باید مورد مطالعه قرار گیرد. در این رویکرد اصول روش‌شناختی و ریخت‌شناسی‌های توصیفی متعددی بکار برده می‌شود و بررسی دقیق و عمیق دنیای شخصی افراد، بخصوص افرادی استثنایی مورد تأکید قرار می‌گیرد. آلپورت^۱، ویلیام جیمز، اریک فروم و مزلو^۲ از محققین این رویکرد در روانشناسی دین هستند. (وولف، ص ۵۶ - ۵۸)

۱-۷-۲- تفاوت روانشناسی دین و روانشناسی دینی

باید توجه داشت که روانشناسی دین^۳، با روان‌شناسی دینی^۴ متفاوت است. در روانشناسی دین - که رشته‌ای فرعی از روانشناسی است - روانشناسی به منزله مبنایی برای ارائه تفسیر از پدیدارهای دینی در نظر گرفته می‌شود و با توجه به تمامیت دین، به یک معنا تقلیل‌گرایانه است. بدین معنا که یک پدیده دینی، مثلاً مراسم عزاداری، ممکن است تبیین جامعه‌شناختی، روانشناختی و ... داشته باشد. اما در این گستره، این پدیده را فقط از دید روانشناختی تبیین می‌کنیم. در مقابل روانشناسی دینی - که شاخه‌ای از علم دینی است - باورهای دینی را به منزله‌ی اصل و منبع قرار می‌دهد و روانشناسی خود را در چارچوب آن سنت ایمانی جستجو می‌کند. (آذربایجانی، ص ۹)

۱. (۱۸۹۸-۱۹۶۷) Gordon Allport، روانشناس آمریکایی و یکی از اولین نظریه پردازان شخصیت.

۲. (۱۹۰۸-۱۹۷۰) Abraham Maslow، روانشناس انسان‌گرای آمریکایی.

۳. psychology of religion .

۴. religious psychology .

۱-۷-۳- تاریخچه روانشناسی دین

پیدایش روانشناسی دین را نمی‌توان به کار یک فرد یا گروهی از متفکران نسبت داد. از سوی دیگر مشکل بتوان از تولد و پیدایش دفعی این رشته سخن گفت. بلکه می‌توان گفت که روانشناسی دین برخاسته از فضای خاصی است که در آن، روش علمی و دین‌پژوهی به نحوی پیش رفتند که چون هر دو در معرض پرسش‌های مختلفی قرار گرفتند به یکدیگر نزدیک شدند. از این طریق روانشناسی دین مورد توجه دین‌پژوهی و روانشناسی قرار گرفت. (هیسینگ، ص ۱۷۷)

بررسی روانشناختی دین نیز، همچون خود روانشناسی، از گذشته‌ای دور و نامشخص آغاز شده که مقدم بر تاریخ رسمی آن است. آغاز روانشناسی دین به عنوان رشته‌ای رسمی به حدود سال ۱۸۸۱ برمی‌گردد که جی. استانلی هال در بوستن نطقی عمومی در مورد تربیت اخلاقی و دینی ایراد کرد. (وولف، ص ۵۹)

۱-۷-۳-۱- دو جریان اصلی

تأملات روانشناختی درباره دینداری انسان سابقه‌ای طولانی دارد. این تأملات مشتمل بر دو جریان می‌باشد: توصیفی و تبیینی. ریشه‌های جریان توصیفی روانشناسی دین را می‌توان در متون مقدس سنت‌های بزرگ دینی یافت؛ از جمله در آثار غیرقدسی که به قصد تهذیب نفس تدوین شده، نظیر آگوستین^۱؛ و در نوشته‌های برخی فلاسفه و متألهان از جمله جاناتان ادواردز^۲، فردریش شلایرماخر^۳ و سورن کیرکگور^۴.

جریان تبیینی حاصل این گمان است که دین چیزی جز آن است که می‌نماید. آغاز این جریان را باید حداقل در قرن سوم قبل از میلاد یافت که یوهاموس، همراه با دیگر عقل‌گرایان^۵ یونانی، بر آن بود که خدایان همان فرمانروایان و نیکوکاران گذشته نوع بشرند که به صورت خدا

^۱ Saint Augustine، فیلسوف و متأله بزرگ مسیحی

^۲ J. Edwards(1703-1758)

^۳ F. Shleiermacher (1768-1834)

^۴ S. Kierkegaard (1813-1855)

^۵ Rationalists

درآمده‌اند. دو قرن بعد، لوکرتیوس^۱، شاعر رومی و شارح مکتب اپیکوری اظهار داشت که خدایان زاده تصورات واهی و ترس از قوای ویرانگر طبیعت‌اند. نویسندگان عصر روشنگری، از جمله فیلسوف اسکاتلندی، دیوید هیوم، این حکم لوکرتیوس را بسط دادند و به نوعی روانشناسی دین رسیدند.

فرضیه تبیینی دیگری هم در قرن نوزدهم ظهور کرد که فوئر باخ^۲ بانی آن بود. وی این نظریه را مطرح کرد که خدایان تجسم سرشت آرمانی شده انسان و ابزار ناخودآگاه خودشناسی و تعالی نفس‌اند.

این دو جریان اصلی در روانشناسی دین (توصیفی و تبیینی)، که اولی دین را با همدلی و از درون ترسیم می‌کند، و دومی نقادانه‌تر و از بیرون، تا امروز همچنان پابرجا مانده‌اند. معمولاً تأکید اصلی بر یکی از این دو جریان است. ویلیام جیمز را می‌توان نمونه‌ای از ترکیب هر دو دانست. (وولف، ص ۵۹-۶۰؛ آذربایجانی، ص ۱۰)

این دو جریان در سه سنت عمده در روانشناسی دین قابل مشاهده‌است. این سه سنت عبارتند از: سنت انگلیسی - آمریکایی، سنت آلمانی و سنت فرانسوی. ما برای پیگیری و ریشه یابی تاریخچه روانشناسی دین به اختصار به هر سه سنت اشاره می‌کنیم.

۱-۷-۳-۲- سنت انگلیسی - آمریکایی

رویکرد تجربی و حتی آزمایشگاهی به دین و نگاه توصیفی در مطالعات دینی، مهمترین ویژگی این سنت است. گالتون^۳، دانشمند انگلیسی، بنیانگذار روان‌شناسی تفاوت‌های فردی است و نخستین کسی است که از روش آماری همبستگی در این زمینه استفاده کرد. استانلی هال^۴ از بنیانگذاران روانشناسی دین در آمریکا است. وی برای این منظور دانشکده روانشناسی دین در دانشگاه کلارک را تأسیس کرد. جیمز لوبا^۵ و ادوین استارباک^۱ نیز از شاگردان برجسته

^۱ Titus Lucretius Carus، تیتوس لوکرتیوس کاروس شاعر و فیلسوف اپیکورگرای اهل روم باستان بود. احتمال داده می‌شود که در ۹۶ پیش از میلاد به دنیا آمده باشد و در ۵۵ پیش از میلاد چشم بر جهان بسته باشد.

^۲ L. Feuerbach (1804-1872).

^۳ Galton (۱۸۲۲-۱۹۱۱).

^۴ Hall (۱۸۴۴-۱۹۲۴)، اولین رئیس انجمن روانشناسی آمریکا.

^۵ J.H. Leuba.

حال هستند که بر مطالعه تجربه‌هایی چون ایمان‌آوری، دعا و حالات عرفانی با کاربرد روش‌های پرسشنامه، مصاحبه شخصی، زندگی‌نامه‌های خودنوشت و دیگر روش‌های تجربی که قابل تجزیه و تحلیل، رده‌بندی و سنجش آماری‌اند، تأکید داشتند.

ویلیام جیمز^۱، پیشروترین روانشناس آمریکا به شمار می‌آید و بی‌هیچ تردیدی کتاب انواع تجربه‌ی دینی او (۱۹۲۰) تنها اثر بزرگ کلاسیک در زمینه‌ی روانشناسی دین است. جیمز در این کتاب به توجیه فلسفی ایمان دینی پرداخته است و رویکردی توصیفی به پدیده‌های دینی دارد. این کتاب به عنوان پژوهشی راهگشا در رشته‌ی روانشناسی دین در سرتاسر جهان معروف شد. که تأثیر آن را می‌توان در نوشته‌های بعدی او به وضوح دید. (وولف، ص ۶۳-۶۸)

۱-۳-۳-۷- سنت آلمانی

در حالیکه در آمریکا، عمدتاً روانشناسان، روانشناسی دین را پیشرفت دادند، در آلمان، این رشته بیشتر زمینه کار و در قلمرو بحث فیلسوفان و عالمان الهیات بود. برای مثال در آثار شلایر ماخر^۲، دیدگاه روانشناختی در مقایسه با موضع الهیاتی، در درجه دوم اهمیت داشت. ویلهلم وونت^۳، فروید، یونگ و اریکسون^۴ جزء نظریه پردازان این سنت هستند. که در فصول آینده به طور مفصل به آراء فروید و یونگ خواهیم پرداخت. (همان، ص ۷۱)

۱-۴-۳-۷- سنت فرانسوی

عمده مساعدت دانشمندان فرانسوی در زمینه روان‌شناسی دین، آثاری است که در حیطه روان‌شناسی مرضی عرضه کرده‌اند، اگر چه علاقه به بحث درباره ارتباط بیماری روانی با دینداری، در دو سنت دیگر نیز وجود داشته‌است، اما در فرانسه، برخی از بزرگترین

^۱ Edwin Starbuck .

^۲ William James .

^۳ Schleiermacher (۱۷۶۸-۱۸۳۴) .

^۴ Wilhelm Wundt (۱۸۳۲-۱۹۲۰) ، پزشک، روانشناس و فیزیولوژیست آلمانی.

^۵ Erik Erikson (-۱۹۹۴ ۱۹۰۲) روانشناس آمریکایی که به‌خاطر ارائه اصطلاح «بحران هویت» معروف

شده‌است.